

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه قم

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی

عنوان:

بررسی ساختار بلاغی رسائل امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام

استاد راهنما:

دکتر سید محمد رضی مصطفوی نیا

نگارنده:

احمد محمدی نژاد پاشاکی

تابستان ۱۳۹۲

صورت جلسه دفاع

تقديم به:

ساحت تابناك منجى بشریت حضرت مهدى عجل الله تعالى فرجه الشريف

تشکر و قدردانی:

حمد و سپاس خدای را که توفیق کسب دانش و معرفت را به ما عطا فرمود. در اینجا برخود لازم می‌دانم از زحمات مشفقانه‌ی خانواده و اساتید بزرگوارم، که در طول سالیان، مرا در تحصیل علم و معرفت و فضائل اخلاقی یاری نموده‌اند تقدیر و تشکر نمایم.

از استاد گرامی و بزرگوار جناب آقای دکتر سید محمد رضی مصطفوی نیا که راهنمایی اینجانب را در انجام تحقیق، پژوهش و نگارش این پایان نامه تقبل نموده‌اند نهایت تشکر و سپاسگزاری را دارم.

چکیده

بی‌تردید رسائل یک سبک نوشتاری - ارتباطی هستند که در گستره فرهنگ و ادبیات ملت‌ها جایگاه ویژه‌ای دارند. این آثار علاوه بر جنبه‌های اجتماعی و تاریخی که می‌توان برای آن‌ها متصور شد از جنبه‌های ادبی و زبان‌شناسی عصر خود برخوردارند. عصر اموی، عصر شکوفایی ترسل در ادب عربی است. نامه‌های امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام آمیخته‌ای از صنایع بلاغی، تصویرپردازی‌ها و بینامتنیت‌های قرآنی می‌باشند. امام حسن علیه السلام ۱۴ نامه دارد که از بین آن‌ها، ۱ نامه در زمان حیات امام علی علیه السلام و ۶ نامه بعد از شهادت پدر تا صلح و ۵ نامه بعد از صلح تا شهادتش نگاشته شده است. امام حسین علیه السلام ۱۸ نامه دارد که از بین آن‌ها، ۶ نامه در زمان حیات امام حسن علیه السلام و معاویه، و ۱۲ نامه در زمان یزید نگاشته شده است. این جستار بر آن است نامه‌های امامین علیهم السلام را بعد از ذکر و ترجمه، از لحاظ ساختار بلاغی و بسامدهای سبکی و زبانی مورد تحلیل قرار بدهد.

واژگان کلیدی: امام حسن مجتبی علیه السلام، امام حسین علیه السلام، رسائل، ساختار بلاغی، ساختار زبانی.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
١٤	مقدمه
٢٣	فصل اول: امام حسن <small>عليه السلام</small>
٢٣	١-١. زندگينامه
٢٥	٢-١. رسائل امام حسن <small>عليه السلام</small>
٢٥	١-٢-١. كتابه <small>عليه السلام</small> إلى عبدالله بن جندب
٤٠	٢-٢-١. كتابه <small>عليه السلام</small> إلى معاوية
٤٥	٣-٢-١. كتب الحسن <small>عليه السلام</small> إلى معاوية مع جندب بن عبد الله الأزدي
٥٦	٤-٢-١. كتابه <small>عليه السلام</small> إلى معاوية
٥٨	٥-٢-١. كتابه <small>عليه السلام</small> إلى معاوية
٦١	٦-٢-١. من كتاب له <small>عليه السلام</small> إلى معاوية (جواباً عن كتابه)
٦٣	٧-٢-١. كتابه <small>عليه السلام</small> لأصحابه (جواباً على تعزيتهم له في ابنة)
٦٩	٨-٢-١. كتابه <small>عليه السلام</small> إلى معاوية
٧٢	٩-٢-١. كتابه <small>عليه السلام</small> إلى معاوية (في الصلح و شروطه)
٧٥	١٠-٢-١. كتابه <small>عليه السلام</small> إلى معاوية (بعد نقضه الشروط)
٧٧	١١-٢-١. كتابه <small>عليه السلام</small> إلى زياد (بعد تعرضه لشيعه علي <small>عليه السلام</small>)

- ٨٠ ١٢-٢-١. كتابه عليه السلام إلى زياد.
- ٨١ ١٣-٢-١. كتابه عليه السلام إلى زياد (بعد نقضه الشروط).
- ٨٣ ١٤-٢-١. أجابه الحسن عليه السلام إلى الحسن البصرى.
- ٨٨ فصل دوم: امام حسين عليه السلام.
- ٨٨ ١-٢. زندگینامه.
- ٩٠ ٢-٢. رسائل امام حسين عليه السلام.
- ٩٠ ١-٢-٢. كتابه عليه السلام إلى معاوية.
- ١٠٣ ٢-٢-٢. كتابه عليه السلام إلى معاوية (بعد حيازته عليه السلام قافلة من اليمن).
- ١٠٥ ٣-٢-٢. كتابه عليه السلام إلى معاوية (حول معاملة له مع مسلم بن عقيل).
- ١٠٧ ٤-٢-٢. كتابه عليه السلام إلى أخيه الحسن عليه السلام.
- ١٠٨ ٥-٢-٢. كتابه عليه السلام إلى أهل الكوفة (بعد شهادة الحسن عليه السلام).
- ١١٠ ٦-٢-٢. كتابه عليه السلام إلى معاوية.
- ١١٢ ٧-٢-٢. كتابه عليه السلام إلى يزيد.
- ١١٥ ٨-٢-٢. كتابه عليه السلام إلى بنى هاشم (حين خروجه من المدينة).
- ١١٧ ٩-٢-٢. كتابه عليه السلام إلى أهل الكوفة.
- ١٢٠ ١٠-٢-٢. كتابه عليه السلام إلى مسلم بن عقيل.
- ١٢٢ ١١-٢-٢. كتابه عليه السلام إلى أشرف البصره.
- ١٢٦ ١٢-٢-٢. كتب إليه الحسين بن علي عليه السلام.
- ١٢٨ ١٣-٢-٢. كتابه عليه السلام إلى عمرو بن سعيد بن العاص (بعد إعطائه الأمان له عليه السلام).
- ١٣١ ١٤-٢-٢. كتابه عليه السلام إلى أهل الكوفة (جواباً لكتاب مسلم بن عقيل).
- ١٣٤ ١٥-٢-٢. كتابه عليه السلام إلى حبيب بن مظاهر (يدعوه إلى نصرته عليه السلام).
- ١٣٦ ١٦-٢-٢. كتابه عليه السلام إلى بنى هاشم (من كربلاء).

- ١٣٧ ١٧-٢-٢. كتابه **إلى** إلى عبد الله بن عباس
- ١٤٠ ١٨-٢-٢. كتابه **إلى** إلى أهل الكوفة
- ١٤٧ **نتيجه گیری**
- ١٥٠ **منابع و مأخذ**

فهرست نمودارها

صفحه	عنوان
۳۷	نمودار ۱-۱. ضمائر و اسم اشاره.....
۳۸	نمودار ۱-۲. فعل.....
۳۹	نمودار ۱-۳. جمله.....
۴۰	نمودار ۱-۴. کاربرد حروف.....
۴۴	نمودار ۱-۵. ضمائر و اسم اشاره.....
۴۴	نمودار ۱-۶. فعل.....
۴۵	نمودار ۱-۷. جمله.....
۴۵	نمودار ۱-۸. کاربرد حروف.....
۵۴	نمودار ۱-۹. ضمائر و اسم اشاره.....
۵۵	نمودار ۱-۱۰. فعل.....
۵۵	نمودار ۱-۱۱. جمله.....
۵۵	نمودار ۱-۱۲. کاربرد حروف.....
۵۷	نمودار ۱-۱۳. فعل.....
۵۷	نمودار ۱-۱۴. جمله.....
۵۸	نمودار ۱-۱۵. کاربرد حروف.....
۶۰	نمودار ۱-۱۶. فعل.....
۶۰	نمودار ۱-۱۷. جمله.....
۶۱	نمودار ۱-۱۸. کاربرد حروف.....
۶۲	نمودار ۱-۱۹. فعل.....
۶۳	نمودار ۱-۲۰. جمله.....
۶۳	نمودار ۱-۲۱. کاربرد حروف.....
۶۸	نمودار ۱-۲۲. فعل.....

۶۸	نمودار ۱- ۲۳. جمله
۶۹	نمودار ۱- ۲۴. کاربرد حروف
۷۱	نمودار ۱- ۲۵. فعل
۷۲	نمودار ۱- ۲۶. جمله
۷۴	نمودار ۱- ۲۷. فعل
۷۵	نمودار ۱- ۲۸. جمله
۷۵	نمودار ۱- ۲۹. کاربرد حروف
۷۷	نمودار ۱- ۳۰. فعل
۷۷	نمودار ۱- ۳۱. جمله
۷۹	نمودار ۱- ۳۲. فعل
۷۹	نمودار ۱- ۳۳. جمله
۸۰	نمودار ۱- ۳۴. کاربرد حروف
۸۱	نمودار ۱- ۳۵. فعل
۸۱	نمودار ۱- ۳۶. جمله
۸۲	نمودار ۱- ۳۷. فعل
۸۳	نمودار ۱- ۳۸. جمله
۸۶	نمودار ۱- ۳۹. فعل
۸۶	نمودار ۱- ۴۰. جمله
۸۷	نمودار ۱- ۴۱. کاربرد حروف
۹۶	نمودار ۲- ۱. ضمائر و اسم اشاره
۹۶	نمودار ۲- ۲. فعل
۹۷	نمودار ۲- ۳. جمله
۹۷	نمودار ۲- ۴. کاربرد حروف
۱۰۲	نمودار ۲- ۵. ضمائر و اسم اشاره
۱۰۲	نمودار ۲- ۶. فعل
۱۰۳	نمودار ۲- ۷. جمله
۱۰۳	نمودار ۲- ۸. کاربرد حروف
۱۰۴	نمودار ۲- ۹. فعل

- نمودار ۲- ۱۰. جمله..... ۱۰۵
- نمودار ۲- ۱۱. فعل..... ۱۰۶
- نمودار ۲- ۱۲. جمله..... ۱۰۶
- نمودار ۲- ۱۳. کاربرد حروف..... ۱۰۷
- نمودار ۲- ۱۴. ضمائر و اسم اشاره..... ۱۰۹
- نمودار ۲- ۱۵. فعل..... ۱۰۹
- نمودار ۲- ۱۶. جمله..... ۱۱۰
- نمودار ۲- ۱۷. ضمائر و اسم اشاره..... ۱۱۱
- نمودار ۲- ۱۸. فعل..... ۱۱۲
- نمودار ۲- ۱۹. جمله..... ۱۱۲
- نمودار ۲- ۲۰. ضمائر و اسم اشاره..... ۱۱۴
- نمودار ۲- ۲۱. فعل..... ۱۱۵
- نمودار ۲- ۲۲. جمله..... ۱۱۵
- نمودار ۲- ۲۳. فعل..... ۱۱۷
- نمودار ۲- ۲۴. جمله..... ۱۱۷
- نمودار ۲- ۲۵. فعل..... ۱۱۹
- نمودار ۲- ۲۶. جمله..... ۱۲۰
- نمودار ۲- ۲۷. کاربرد حروف..... ۱۲۰
- نمودار ۲- ۲۸. فعل..... ۱۲۱
- نمودار ۲- ۲۹. جمله..... ۱۲۲
- نمودار ۲- ۳۰. کاربرد حروف..... ۱۲۲
- نمودار ۲- ۳۱. ضمائر و اسم اشاره..... ۱۲۴
- نمودار ۲- ۳۲. فعل..... ۱۲۵
- نمودار ۲- ۳۳. جمله..... ۱۲۵
- نمودار ۲- ۳۴. کاربرد حروف..... ۱۲۵
- نمودار ۲- ۳۵. ضمائر و اسم اشاره..... ۱۲۷
- نمودار ۲- ۳۶. فعل..... ۱۲۷
- نمودار ۲- ۳۷. جمله..... ۱۲۸

- نمودار ۲-۳۸. کاربرد حروف ۱۲۸
- نمودار ۲-۳۹. فعل ۱۳۰
- نمودار ۲-۴۰. جمله ۱۳۰
- نمودار ۲-۴۱. کاربرد حروف ۱۳۰
- نمودار ۲-۴۲. ضمائر و اسم اشاره ۱۳۲
- نمودار ۲-۴۳. فعل ۱۳۳
- نمودار ۲-۴۴. جمله ۱۳۳
- نمودار ۲-۴۵. کاربرد حروف ۱۳۳
- نمودار ۲-۴۶. ضمائر و اسم اشاره ۱۳۴
- نمودار ۲-۴۷. فعل ۱۳۵
- نمودار ۲-۴۸. جمله ۱۳۵
- نمودار ۲-۴۹. کاربرد حروف ۱۳۶
- نمودار ۲-۵۰. فعل ۱۳۷
- نمودار ۲-۵۱. جمله ۱۳۷
- نمودار ۲-۵۲. ضمائر و اسم اشاره ۱۳۸
- نمودار ۲-۵۳. فعل ۱۳۹
- نمودار ۲-۵۴. جمله ۱۳۹
- نمودار ۲-۵۵. کاربرد حروف ۱۴۰
- نمودار ۲-۵۶. ضمائر و اسم اشاره ۱۴۵
- نمودار ۲-۵۷. فعل ۱۴۵
- نمودار ۲-۵۸. جمله ۱۴۶
- نمودار ۲-۵۹. کاربرد حروف ۱۴۶

مقدمه

پیام (الرسالة) نزد انسان قدمتی طولانی دارد از همان زمان که چشم خود را گشود. در ابتدا با نوشتار همراه نبود بلکه به صورت شفاهی و شنیداری بود. به نظر می‌رسد این پیام‌ها، در ابتدا در راستای شناخت آدمی از محیط و اجتماع پیرامونش بروز می‌کرد. پیام نوشتاری نیز سابقه‌ی دیرینه دارد ولی سختی‌هایی چون: مرسوم نبودن کاغذ، و استفاده از تنه‌ی درختان و استخوان‌ها برای کتابت، سبب شد که این فن در آغاز، چندان رایج نباشد. ولی به مرور زمان با گسترش سواد آموزی و آسانی کتابت این شیوه پیام‌رسانی با عنوان نامه نگاری مطرح شد.

نامه یک رسانه ارتباطی است که بوسیله آن فرد پیامی را به دیگری انتقال می‌دهد؛ برای مقاصد مختلفی مانند یاد کردن، تهنیت فرستادن، دلجویی کردن، درخواست عفو و بخشایش، ارشاد کردن، اظهار اطاعت نمودن، اعلام فتح و پیروزی، واگذاری مشاغل گوناگون و... نامه نگاری که در قدیم به آن ترسل نیز گفته‌اند بعنوان یکی از فنون انشاء و نویسندگی، در گستره‌ی فرهنگ و ادب جایگاه ویژه‌ای دارد. آثار بر جای مانده با عناوینی همچون: نامه‌ها، مکاتیب، مکتوبات، مراسلات، رسائل و توقیعات به غیر از جنبه‌های ادبی و زبان‌شناسی فراهایی از اوضاع تاریخی، اجتماعی و فرهنگی را می‌نمایاند. «فن ترسل، یا هنر نامه نگاری، که در آن از آیین نویسندگی و فن کتابت سخن به میان می‌آید همواره مورد توجه نویسندگان و کاتبان بوده

است.^۱ از ویژگی‌های بارز این فن، «داشتن عباراتی کوتاه و پر معنی است که متکی بر اشاره و ایماست. نویسنده در فن، به دور از هر گونه اطناب و زیاده‌گویی وارد فکر اصلی می‌شود.»^۲

نامه‌ها بعنوان یک سبک نوشتاری دارای تمایزاتی با دیگر متون می‌باشد. بررسی تقابلی اسلوب نوشتار نامه‌ها با ویژگی‌های عمومی نثرهای علمی، ادبی، تاریخی، مقامه نویسی، داستان نویسی و... نشان می‌دهد که نامه‌ها از نظر اسلوب نوشتار دارای ویژگی‌های متمایز از سایر گونه‌های نثر است. از جمله:

• در این گونه‌ی نوشتاری، مخاطب فرد معینی است.^۳ این در حالیست که در سایر انواع نثر، طیف گسترده‌تری را در برمی‌گیرد و مشخصاً به فرد خاصی ارجاع داده نمی‌شود.

• سه بخش مقدمه، متن اصلی و بخش پایانی در نامه‌ها مشخص‌تر از دیگر انواع نثر است و ویژگی‌هایی دارند، که گونه‌ی نامه را از دیگر گونه‌های نثر متمایز می‌کند.

• نامه‌ها نسبت به نثرهای علمی، تاریخی و داستانی حجم محدودتری دارند.

بعد از برشمردن ویژگی‌های متمایز در اسلوب نامه نگاری، پرداختن به طبقه بندی این گونه‌ی نوشتاری، مهم جلوه می‌کند. رده بندی نامه‌ها بر مبنای بافت بیرونی و بافت موقعیتی متن به عنوان معیاری برای طبقه بندی در نظر گرفته می‌شود. بافت بیرونی نامه، در حقیقت، موقعیت فیزیکی یا اجتماعی متن و به عبارت دیگر فضایی است که نامه در آن به نگارش درآمده است و آنچه به عنوان موقعیت متن در نظر گرفته می‌شود موارد نویسنده، مقام و موقعیت اجتماعی و علمی او، مخاطب، مقام و موقعیت اجتماعی و سیاسی او، هدف متن یا همان نقش و کارکرد آن را شامل می‌شود.

^۱ محمد تقی دانش پژوه، "دبیری و نویسندگی"، مجله هنر و مردم، ۱۰۶ (۱۳۵۰): ۲۷.

^۲ سید جعفر حسینی، تاریخ الأدب العربی، ط. ۱، (قم: أنوار الهدی و الاعتصام، ۱۴۱۴)، ۹۸.

^۳ ولی به ندرت در نامه‌های امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام مخاطب جمع کثیری هستند.

بر مبنای بافت بیرونی، نامه‌ها را به دو زیرگونه‌ی درباری و غیر درباری و سپس هر یک را با توجه به مقام و موقعیت نویسنده، مقام و موقعیت مخاطب، نوع رابطه‌ی نویسنده و مخاطب و کارکرد نامه رده بندی خواهد شد.

بر مبنای بافت بیرونی و فضای فیزیکی و اجتماعی، نامه‌ها به دو زیرگونه‌ی درباری و غیردرباری قابل تقسیم است. مقصود از نامه‌های درباری (حکومتی) همان نامه‌هایی است که به دستور پادشاه، امیر، و... نوشته می‌شد و در واقع انعکاس دهنده‌ی نظرات و اندیشه‌های شخص صاحب قدرتی است که دستور نوشتن نامه را داده است.

منظور از نامه‌های غیردرباری، نامه‌هایی است که خارج از این تشکیلات به نگارش درآمده‌اند. این نامه‌ها به دو دسته قابل تقسیم است؛ الف- نامه‌هایی که اگر چه نویسندگان آنها بیرون از تشکیلات درباری بوده‌اند اما نامه‌هایشان معطوف به نهادهای قدرت بوده. ب- نامه‌هایی که نویسنده و مخاطب، هر دو بیرون از دستگاه قدرت جای دارند.

نامه‌ها را بر اساس مقام و موقعیت مخاطب، می‌توان به رابطه‌ی عمودی یا افقی، رده بندی کرد. بر این اساس، نامه‌ها به دو زیرگونه رسمی و دوستانه (اخوانیات) قابل تقسیم است. در نامه‌های رسمی، رابطه نویسنده و مخاطب از نوع عمودی- فرادست به فرودست یا بالعکس- است اما در نامه‌های دوستانه این، یک رابطه‌ی افقی است. ساختار نامه، نحوه بیان (مستقیم و غیر مستقیم)، کاربرد شاخص‌ها و ... در این دو گونه متفاوت است.

هر نامه می‌تواند یک کارکرد اصلی داشته باشد که تحقق هدف نویسنده از نوشتن نامه است. از این دیدگاه می‌توان نامه‌ها را به انواع ارشادی، اندرزنامه، اطاعت نامه، تهنیت نامه، بشارت نامه، دلجویی نامه، عفونامه، سفارش نامه، شوق نامه و درخواست دیدار، عهدنامه، فتح نامه، و... تقسیم کرد. از آنجا که هر نامه ممکن است بیش از یک کارکرد داشته باشد، این رده بندی جزمی و قطعی نبوده و از سیالیت برخوردار است. اما معیارهایی مانند حجم نوشتاری که در نامه به یک

کارکرد خاص اختصاص داده شده، بافت متن و گاه ارتباط بین نامه‌ها، در تعیین کارکرد اصلی نامه می‌تواند تعیین کننده باشد.

در شناخت گونه‌ی نامه‌ها آنچه اهمیت دارد، «شناخت الگوهای ژانری در قالب فرآیند، تعامل و تغییر»^۱ است. «منظور از الگوهای ژانری (الگوی گونه‌ها) در نامه نگاری، مطالعه‌ی مجموعه ویژگی‌های هر یک از زیرگونه‌ها در تعامل با نهادهای اجتماعی و تغییرات و تفاوت‌های آنها برحسب موقعیت است. آنچه در الگوها بررسی می‌شود، ساختار نامه (مقدمه، متن اصلی نامه و بخش پایانی)، بافت متن و ساختارهای زبانی (واژگانی، نحوی، کاربردشناسی و بلاغی) در تعامل با نهادهای اجتماعی است و در نهایت توصیف مجموع ویژگی‌هایی است که یک الگو را با نام‌هایی مانند الگوی زاهدانه، صوفیانه، واعظانه، عفونامه‌ها، سفارش نامه‌ها و ... تبیین می‌کند.»^۲

در خصوص نامه و نامه نگاری شایسته است که نگاهی هم به پیشینه‌ی این فن در ادب عربی داشته باشیم. «آثار منثور چندی که از دوره جاهلی در دست است حاکی از این است که این متون آمیخته‌ای از شعر و نثر، و شامل امثال و حکم است و سبک آن‌ها مبتنی بر ایجاز و ایراد اسجاع می‌باشد.»^۳ گرچه رسائل نسبت به دیگر انواع نثر دیرتر به بار نشست، آنها را می‌توان نقطه شروع و سکوی پرتاب به مرحله نثر نوشتاری برشمرد. چنانکه گفته می‌شود «الرسائلُ خطبةٌ مدونةٌ أو كلامٌ عاديًّا قَيَّدَ بالحروفِ مِن غيرِ تَنمِيقٍ ولا إلتزامِ أسلوبِ خاصٍ.»^۴

در دوره جاهلی، اخوانیات به خاطر پیچیدگی‌هایی که داشت به صورت نادر بود به همین خاطر رسائل در این دوره به رسائل اجتماعی، سیاسی و اداری محدود می‌شد. «از رسائل اجتماعی می‌توان به نامه اکثم بن صیفی به قبیله‌ی طیء اشاره کرد که در بردارنده‌ی حکمت‌ها و

^۱ ایرنا ریما مکاریک، دانشنامه نظریه‌های ادبی معاصر، (تهران: آگاه، ۱۳۸۸)، ۳۷۹.

^۲ مریم دریر و دیگران، "اسلوب نوشتار نامه‌های فارسی، توصیف و طبقه بندی گونه‌ی نامه"، سبک شناسی نظم و نثر فارسی، ۱۳۹۱)، ۶۲.

^۳ حنا الفاخوری، الجامع فی تاریخ الادب العربی، (بیروت: دارالجلیل، بی تا)، ۱۰۷-۱۲۲.

^۴ عمر فروخ، تاریخ الأدب العربی، (بیروت: دار العلم للملایین، ۱۹۸۴)، ج ۱، ۳۷۴.

ضرب المثل‌های رایج عرب است. از رسائل سیاسی مشهور بین پادشاهان عصر جاهلی می‌توان به نامه‌های بین الزبّاء-پادشاه جزیره العرب- و جذیمة الأبرش-پادشاه یمنه‌ی فرات اشاره کرد. از رسائل اداری می‌توان به صحیفه‌ی المتلمس اشاره کرد المفضل آن را روایت می‌کند این نامه از عمرو بن المنذر به ابی کرب است که عمرو بن منذر از عاملش می‌خواهد المتلمس و طرفه به قتل برساند.^۱

نامه‌های پیامبر اسلام ﷺ و اصحاب ایشان را می‌توان از نخستین نمونه‌های رسائل عربی صدر اسلام به شمار آورد. «مشهورترین آن، نامه رسول ﷺ به خسرو پرویز و هرقل است که مجموعه‌ی آن در کتاب اسناد سیاست اسلامی، اثر م. حمید الله مندرج شده است.»^۲

البته ایشان همزمان با این نامه، دو نامه‌ی دیگر به پادشاهان ایران و حبشه فرستادند. اگر چه این نامه‌ها خواسته‌ی معینی را مطرح می‌نمایند، با شیوه‌های مختلف و با در نظر گرفتن ژرفنگری مخاطب نوشته شده بود. «پیامبر اسلام ﷺ در نگارش این نامه‌ها به تأثر از قرآن کریم شیوه‌ی سهل و ممتنع را در پیش می‌گیرند. این نامه‌ها یا مرصّع به آیات قرآن یا آراسته به الفاظ و تعابیر فرهنگ قرآنی است. استحکام و روانی و ژرف اندیشی و دقت در ارائه‌ی موضوع، در این نامه‌ها لحاظ شده است. الفاظ نیز هماهنگ با معانی و در خدمت معنی است، به گونه‌ای که هر یک از آنها در جای خاص خود به کار گرفته شده است و هیچ کلمه‌ی دیگر را نمی‌توان جایگزین آن نمود. این شیوه‌ی نگارش در تمامی نامه‌ها، عهدنامه‌ها، قولنامه‌ها و احادیثی که از ایشان نقل شده است رایج و متداول است. این شیوه‌ی نامه نگاری پس از در گذشت پیامبر بزرگوار اسلام متناسب با نیاز جامعه‌ی اسلامی از نظر کیفی و کمی در راه رشد و بالندگی قرار گرفت. گر چه این شکوفایی دو چندان بود ولی همچنان اسلوب ایجاز بر نامه‌ها حاکم بود.»^۳

^۱ محمد توفیق ابو علی، کتابة الرسائل علم و فن، ط. ۲، (بیروت: دار النفاثس، ۱۹۹۷)، ۱۳-۱۴.

^۲ ج.م عبدالجلیل، تاریخ ادبیات عرب، (ترجمه‌ی آ. آذرخش) ج. ۳، (تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۶)، ۹۵.

^۳ سید جعفر حسینی: ۱۰۰.

به دنبال فتوحات اسلامی، تمدنی بزرگ شکل گرفت که لازمی آن شکل‌گیری دواوین، از جمله دیوان رسائل بود. «عمر بن خطاب بعنوان اولین شخصی است که به نامه‌های اداری همت گمارد»^۱ پس از این که امام علی علیه السلام زمام امور خلافت را به دست گرفتند ایجاز جای خود را به اطناب داد. زیرا کشمکش‌های حاکم بر جامعه‌ی اسلامی ایجاب می‌کرد تا از این شیوه استفاده گردد. امام نامه‌ها را همچون خطبه‌ها جولانگاه اندیشه‌های انسان ساز خود قرار دادند برای مثال ایشان در نامه‌ی معروف خود به مالک اشتر منشوری مفصل در همه‌ی زمینه‌ها برای یک حاکم ترسیم نمودند.

دوران بنی امیّه، عصر شکوفایی ترسل (نامه نگاری) شمرده می‌شود، زیرا ترسل به دلیل قدرت گرفتن حکومت، پا به پای شعر و خطابه، راه تخصص و مهارت را در پیش گرفت. «نویسندگان به شدت، تحت تأثیر نزاع‌های سیاسی احزاب قرار گرفتند. همین سبب گردید تا رسائل جنبه‌ی رسمی به خود بگیرند. در همین دوره رسائل سیاسی و به دنبال آن رسائل اخوانی و اجتماعی شکل گرفت. و اندیشه‌ی تشکیل "دواوین الکتابة" که هسته‌ی اصلی پیدایش مکاتب مختلف نثر فنی به حساب می‌آید، در این دوره تشکیل شد. همین امر باعث شد تا نویسندگان به ارج و منزلت والایی برسند و حرص و ولع زیاد در تربیت شاگردان لایق و با مهارت، برای تصدّی امر کتابت از خود نشان دهند. این فن بعدها برای موارد گوناگون، سیاسی، اداری، توجیهی و غیره به کار گرفته شد و به فن رسائل معرف گردید.»^۲

این نامه‌ها با وجود کوتاهی، ارزش‌های فنی خاص خود را دارد، از جمله: الف- در بر گیرنده‌ی تصاویر بیانی زیبای تشبیه و استعاره است. ب- از ترادف موسیقی خاصی برخوردار است. ج- داشتن تسلسلی منطقی در به تصویر کشیدن صورت‌های مختلف یک جریان. د- آراسته شدن به آرایه‌های مختلف بدیعی. گرچه این نامه و دیگر نامه‌ها هر کدام از خصوصیات

^۱ حنا الفاخوری: ۳۷۴-۳۷۵.

^۲ عمر فروخ: ۲۱۵.

ویژه‌های برخوردار هستند که به نظر می‌رسد با هم تفاوت دارند، ولی ویژگی‌های ترسل دوره‌ی اموی به طور کلی در موارد زیر خلاصه می‌گردد:^۱

۱- الهام پذیری از متن قرآنی، رسائل چون دیگر نمونه‌های نثر، در لفظ، معنی و اسلوب از متن قرآنی تأثیر پذیرفت.

۲- پیدایش نشانه‌های صنعت از قبیل: اطاله، سجع و جناس، تصویر پردازی، رعایت هماهنگی میان جملات و مقتضای حال و دیگر ارزش‌های بدیعی.

۳- پیدایش زمینه‌ی مناسب جهت شکوفایی انواع دیگر رسائل همچون رسائل اخوانی و مذهبی در کنار رسائل دیوانی.

۴- قانونمند شدن هنر نویسندگی، به گونه‌ای که هر کسی نمی‌توانست به سادگی در این زمینه فعالیت نماید.

۵- طولانی شدن نامه‌ها، از زمانی که کتابت به عنوان صنعت فنی مطرح گردید، نویسندگان برای هنر نمایی و آشکار نمودن ویژگی‌های فنی خویش دست به اطناب زدند تا نظر مخاطبان را متوجه خود سازند.

۶- نزدیک شدن زبان نثر به زبان شعر، با روی آوردن نویسندگان به صنایع بدیعی، نثر از حدود و ثغور خود، که قانع کردن مخاطبان است پا فراتر می‌گذارد و از آرایه‌های بدیعی برای شاد نگه داشتن مخاطبان خویش استفاده می‌کند.

۷- قرار گرفتن فن ترسل در کنار خطابه و شعر در به تصویر کشیدن واقعیت‌های جامعه.

بعد از عصر اموی نویسندگان رسائل وارد عصر طلایی خود شدند و به آن‌ها کاتب و وزیر گفته می‌شد، و از لحاظ جایگاه، هم‌تراز با نخست وزیر در عصر ما بودند. از نویسندگان رسائل

^۱ می‌یوسف خلیف، النثر الفنی بین صدر الاسلام و العصر الاموی، (بی‌جا، بی‌تا)، ۱۴۵-۱۴۶.